



I.I.E.S

گزارش میان دوره ای IEA در مورد گاز طبیعی؛ چالش ها و فرصت های ایران

دیدگاهها و تحلیل ها

شماره ۱۳



محمد صادق جوکار

تهران - خیابان ولیعصر - روبروی پارک

ملت - خیابان سایه - پلاک ۶۵

تلفن: ۲۷۶۴۴۳۲۹ صندوق پستی:

۱۹۳۹۵-۴۷۵۷

آدرس اینترنتی:

مقدمه

گزارش جدید میان دوره ای آژانس بین المللی (IEA) انرژی از وضعیت عرضه، تقاضا و تجارت بین المللی گاز طبیعی تا سال ۲۰۱۹، بازتاب دهنده تحولاتی است که می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت انرژی ایران (تقاضا، مصرف و سهم از بازار بین المللی گاز) تاثیر بگذارد. تحلیل دقیق این تحولات برای نهادهای تصمیم گیر در تدوین راهبردها (Strategy) و سیاست ها و خط مشی های (Policy) انرژی ایران ضروری است. در این گزارش به اختصار تلاش می شود تا با تعمق در برآوردهای این نهاد بین المللی، به تحلیل راهبردی تحولات بین المللی حوزه گاز از منظر امنیت انرژی ایران پرداخته شود.

کاهش اهمیت راهبردی گاز طبیعی خاورمیانه

اهمیت استراتژیک گاز طبیعی به این معنی است که با توجه به کمیابی و محدودیت منابع آن و تمرکز آن در مناطق جغرافیایی خاص، گاز طبیعی می تواند وضعیتی را بوجود آورد که دسترسی به آن جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت بین المللی را تعیین کند. اما با توجه به تولید گسترده در مناطق مختلف جهان، خصوصاً در پرتو توسعه منابع غیرمرسوم به نظر می رسد که از یک سو اهمیت استراتژیک منابع گاز و احتمال ایجاد کارتل های گازی در حال از بین رفتن است و از سوی دیگر خاورمیانه برای کسب بازار صادراتی برای منابع عظیم ۸۰/۳ تریلیون مترمکعبی خود (۴۳/۲ درصد ذخایر متعارف جهان) باید با دیگر صادرکنندگان به رقابت پردازد. مطابق ارقام گزارش میان دوره ای آژانس، میزان عرضه گاز خاورمیانه از ۵۶۲ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۳ به ۶۵۹ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۹ افزایش می یابد در حالی که تقاضا داخلی گاز این منطقه از ۴۲۶ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۳ به ۵۳۹ میلیارد مترمکعب در ۲۰۱۹ خواهد رسید. این ارقام نشان می دهد که رشد تقاضا داخلی گاز خاورمیانه در بین سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ بیش از رشد عرضه آن خواهد بود و لذا در این بازه زمانی ۱۶ میلیارد متر مکعب از مجموع صادرات این منطقه کاسته خواهد شد.

در نگاهی عمیق تر، در حالی که رشد عرضه جهانی بین سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۹ برابر با ۵۰۰ میلیارد مترمکعب می باشد، خاورمیانه تنها ۱۸ درصد رشد تولید خواهد داشت و مناطق OECD

اقیانوس آرام، چین و آفریقا به ترتیب با رشد ۱۲۵، ۶۰ و ۳۰ درصدی نقش بیشتری را در افزایش عرضه جهانی گاز بر عهده خواهند داشت. آمریکای شمالی و OECD آسیا-پاسفیک ۱۹۰ میلیارد مترمکعب از ۵۰۰ میلیارد مترمکعب افزایش عرضه جهانی را به خود اختصاص خواهند داد (عرضه گاز شیل آمریکای شمالی و آلان جی استرالیا)، در حالی که خاورمیانه ۹۷ میلیارد مترمکعب از افزایش عرضه را به عهده خواهد داشت. این امر به دلیل روند روبه رشد مصرف داخلی گاز طبیعی در خاورمیانه (عمدتاً برای تولید برق) است. لازم به ذکر است که بنابر آمارهای این گزارش، گاز طبیعی در تولید برق در خاورمیانه بالاترین سهم و در چین کمترین سهم را در کل جهان دارد.

ایران؛ مهمترین پتانسیل افزایش تولید گاز در خاورمیانه

آمارهای این گزارش نشان می دهد که با کمبود گاز طبیعی، بسیاری از کشورهای خاورمیانه قادر به جایگزین سازی نفت با گاز طبیعی و یا استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در تولید برق خود نیستند. لذا این امر منجر به افزایش تقاضای داخلی نفت در بعضی از این کشورها (بویژه عربستان) و یا اجبار به واردات گاز در بعضی دیگر خواهد شد. مثلاً در عربستان سعودی، پیش بینی می شود که رشد فزاینده مصرف برق و عدم کفایت تولید داخلی گاز در تامین سوخت نیروگاه ها، مصرف مستقیم نفت به عنوان سوخت نیروگاه ها در این دوره زمانی را حدود یک سوم افزایش دهد که نشان دهنده افزایش مصرف داخلی نفت به میزان ۲۸۰ هزار بشکه در روز به منظور تولید ۵۰ تراوات ساعت برق بیشتر خواهد بود. مجموع نیاز برقی عربستان در سال ۲۰۱۹ برابر با ۴۰۰ تراوات ساعت خواهد بود که ۲۲۰ تراوات ساعت آن از طریق مصرف مستقیم نفت خام و ۱۸۰ تراوات ساعت آن از طریق گاز طبیعی تولید خواهد شد.

علاوه بر این، در کنار مشکلات موجود در روند افزایش تولید گاز عمان (۱۰ میلیارد متر مکعب از میدان خزان مکرم) و عدم وجود برنامه پیش بینی شده برای افزایش تولید قطر بعد از ۲۰۱۶، گزارش آژانس تسریع می کند که ایران امیدوارکننده ترین وضعیت را از نظر افزایش تولید در خاورمیانه دارد و اگر بتواند تحریم های خارجی را کاهش دهد می تواند چندسال زودتر از سال ۲۰۲۰، نسبت به افزایش صادرات گاز از طریق خطلوله به جنوب آسیا و بازارهای غربی اقدام نماید.

اولویت صادرات خطوط لوله به بازارهای منطقه نسبت به ال ان جی برای بازارهای دوردست

مطابق آمارها و داده‌های آژانس، ورود ال ان جی ایران تا پیش از سال ۲۰۲۵ به بازار بین‌المللی محتمل نیست. با این پیش‌بینی، می‌توان تحلیل کرد که با توجه به ورود چهار قطب عرضه ال ان جی به بازار، شامل آمریکای شمالی، آفریقای شرقی، روسیه و اقیانوسیه و سخت شدن رقابت، ممکن است سرمایه‌گذاری در زمینه تولید ال ان جی با ابهام اقتصادی نبودن و فقدان بازار روبرو باشد. در عوض با توجه به روند روبه رشد مصرف گاز طبیعی در کشورهای ترکیه، امارات متحده عربی، عمان (برای ایفای تعهدات صادراتی LNG)، کویت، بحرین، هند، پاکستان، اردن و از همه مهمتر بازار اروپا، اولویت بخشی به صادرات از طریق خطوط لوله به بازارهای منطقه‌ای منطقی‌تر از صادرات به صورت ال ان جی به بازارهای دوردست باشد.

نیاز به تصمیم‌گیری سریع در استراتژی صادرات گاز

تحلیل آمارهای عرضه و تقاضای گازی منطقه خاورمیانه، جنوب آسیا و حوزه خزر در گزارش میان‌دوره‌ای آژانس، نشان می‌دهد که مقابله با روند حذف عرضه منابع گسترده گازی ایران از بازارهای منطقه‌ای، نیازمند فوریت در حل موانع عمدتاً سیاسی و نیز موانع اقتصادی و مالی است. تعلل در برنامه‌ریزی صادراتی به بازارهای منطقه‌ای می‌تواند منجر به توسعه پایانه‌های ال ان جی و خطوط لوله رقیب در آنها گردد. گزینه عرضه ال ان جی قطر و انتقال گاز جنوب عراق از طریق خطوط لوله به کویت، توسعه خطوط لوله دلفین قطر به امارات متحده عربی و عمان، خطوط لوله تاپی به جنوب آسیا، می‌تواند در صورت تداوم تحریم‌های ایران، منجر به منتفی شدن جایگاه صادراتی گازی ایران به بازار منطقه شود.

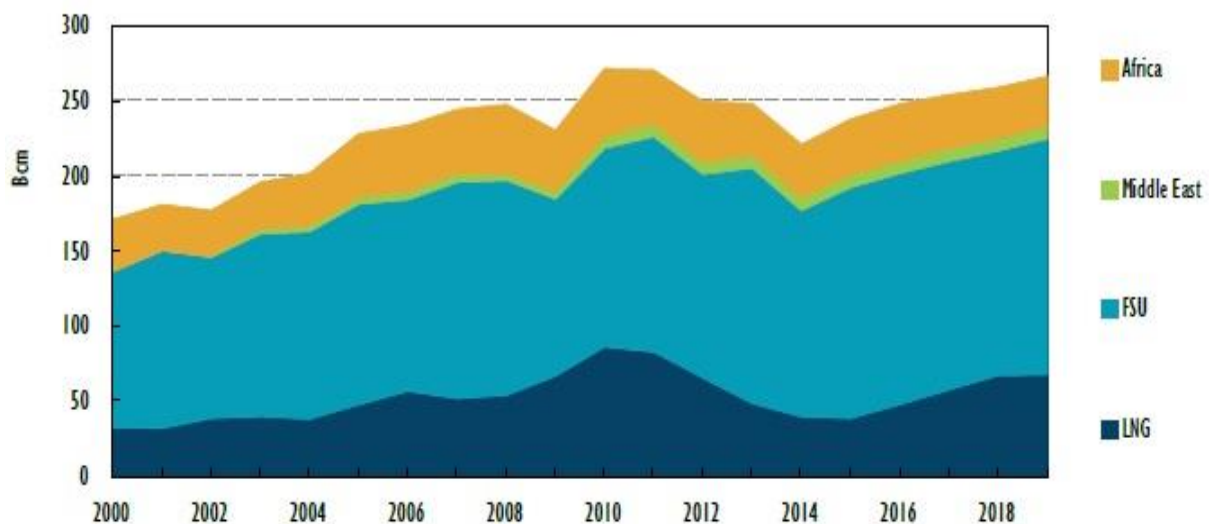
هزینه بالای واردات ال ان جی برای هند و پاکستان؛ فرصتی برای ایران

مطابق داده‌های گزارش آژانس، یکی از دلایل این که پایانه واردات ال ان جی Dahej در هند با ۸ درصد ظرفیت خود کار می‌کند، هزینه بالای ال ان جی وارداتی است که تا ۲۳/۷۴ دلار در هر میلیون بی تی یو نیز گزارش شده است. حتی به نظر آژانس، بعید است که عرضه ال ان جی آمریکای شمالی به هند (که این کشور به دنبال آن است)، به دلیل هزینه‌های تولید و انتقال، کمتر از ۱۱ دلار در هر میلیون بی تی یو باشد. در چنین شرایطی، انگیزه اقتصادی هند در افزایش واردات از طریق خطلوله، موضوعی است که ایران می‌تواند در صورت حل معضلات سیاسی به آن بیندیشد. در پاکستان نیز به رغم وعده‌های دولت در تکمیل پایانه وادراتی بندر قاسم در کراچی (با ظرفیت ۴ میلیارد متر مکعب) در پایان سال ۲۰۱۴، همچنان مشکل قیمت بالای ۱۵ دلار در هر میلیون بی تی یو وجود دارد.

ضرورت تدوین «دیپلماسی خطلوله» در برابر رقبا برای دسترسی به بازار اروپا

بنا به تحلیل‌ها و آمارهای آژانس در گزارش میان‌مدت گاز خود، به رغم اینکه پایانه‌های واردات ال ان جی اروپا با ۲۴ درصد ظرفیت خود فعالیت می‌کنند اما پیش‌بینی می‌شود که به دلایل اقتصادی (قیمت) و همچنین فنی (کمبود ظرفیت ذخیره‌سازی)، سهم واردات گازی اروپا به صورت خطلوله از روسیه و کشورهای حوزه خزر بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۳، افزایش یابد. عمده‌ترین طرح‌های این حوزه، رقابت خطوطلوله جریان جنوبی روسیه با کریدور جنوبی با محوریت آذربایجان است.

چشم‌انداز واردات گازی اتحادیه اروپا تا ۲۰۱۹ (EIA)



ایران می تواند الف) با استفاده از فرصت وجود موانع حقوقی در دریای خزر در مورد تحقق خطلوله ترانس کاسپین و کریدور جنوبی با محوریت آذربایجان و ب) بی اعتمادی امنیتی اروپا به عرضه بیشتر گاز روسیه از مسیر جریان جنوبی، نسبت به ارائه طرح کریدور جنوبی با محوریت خود اقدام کند. در مورد این پیشنهاد، ذکر چند نکته ضروری است:

- بنا به تحلیل های آژانس: اروپا ضمن برخورداری از فرصت ظرفیت پایانه های واردات ال ان جی، به دلایل اقتصادی به دنبال واردات از طریق خطلوله می باشد. به نظر آژانس، به رغم کاهش قیمت تولید گاز در آمریکای شمالی به ۳/۵ دلار در هر میلیون بی تی یو، با توجه به هزینه مایع سازی، انتقال و تبدیل مجدد به گاز، بعید است که قیمت عرضه گاز صادراتی آمریکای شمالی به اروپا نیز کمتر از میانگین قیمت فعلی ال ان جی وارداتی باشد.

- در ژانویه ۲۰۱۴، کمیسیون اروپا مجموعه ای از دستورالعمل های غیرالزام آور در مورد توسعه منابع گازشیل را به کشورهای عضو ارائه کرد اما کشورهای عضو می توانند از دستورالعمل های ملی خود در این زمینه پیروی کنند. با توجه به ممنوعیت کشورهای فرانسه، آلمان، بلغارستان، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ و اتریش در ممنوعیت توسعه منابع گازشیل به دلایل نگرانی های زیست محیطی و دیگر عوامل اقتصادی و اجتماعی، توسعه منابع گازشیل در اروپا تا پایان دهه جاری از نظر آژانس نامحتمل بوده و پس از آن نیز تاثیری تدریجی در بازار خواهد داشت و این امر منجر به تداوم واردات گازی اروپا خواهد شد.

- برنامه حکومت محلی کردستان عراق در توسعه میادین "میران" و "بینابوی" به ترتیب با ذخیره ۲۲۰ و ۲۰۰ میلیارد متر مکعب توسط شرکت های OMV و Genel برای صادرات ۱۰ میلیارد متر مکعب تا ۲۰۲۰، می تواند رقیبی برای ایران در تامین عرضه به اروپا از مسیر ترکیه باشد. تأخیر ایران در تکمیل خطلوله IGAT-9 و مهمتر از آن لغو تحریم های صادرات گازی به اروپا (از سوی نهادهای سیاسی) می تواند منجر به محرومیت ایران از پروژه کریدور جنوبی اروپا گردد.

نتیجه گیری:

تحلیل آمارهای گزارش میان دوره ای آژانس بین المللی انرژی در مورد تحولات بازار بین المللی گاز تا سال ۲۰۱۹ نشان می دهد که در صورتی که ایران درصدد افزایش نقش خود در بازار جهانی گاز باشد، نیازمند تسریع در حل مشکلات سیاسی (تحریم) و فنی در زمینه صادرات انرژی خود، اولویت دادن به صادرات گاز به بازارهای منطقه ای از طریق خطلوله نسبت به تولید ال ان جی برای بازارهای دور و تحرک در رقابت به جای انفعال نسبت به طرح های بدیل گاز ایران برای بازارهای مصرف، نظیر طرح های تاپی، توسعه دلفین، ترانس کاسپین، خطلوله IK، به ترتیب به عنوان رقبای دسترسی ایران به بازارهای هند و پاکستان، امارات و عمان، ترکیه-اروپا و کویت، می باشد.

آمارها نشان می دهد که چشم انداز توسعه منابع نامتعارف گازی، گاز لایه های سخت و متان موجود در بستر ذغال سنگ در بلندمدت، سبب خواهد شد که تکرار کم تحرکی های گذشته و نادیده گرفتن فرصت های صادراتی، موجب به حاشیه راندن گاز ایران از نظر اقتصادی گردد. در چشم انداز آینده نیز عرضه LNG توسط چهار قطب نوظهور در اقیانوسیه، روسیه، آفریقای غربی و آمریکای شمالی، منجر به افزایش رقابت در بین عرضه کنندگان گاز خواهد شد و با توسعه منابع نامتعارف، از تقاضای وارداتی بلندمدت کشورهای نظیر چین و هند و حتی اروپا کاسته خواهد شد. این روندها، تسریع در پیگیری موارد سه گانه فوق الذکر از سوی ایران را ضروری تر می سازد.